



چکیده:

سرمایه اجتماعی مفهومی جدید در ادبیات علوم سیاسی-اقتصادی و جامعه شناسی است که در سال های اخیر در محافل علمی کشور مطرح گردیده است ولی هنوز نتوانسته است جایگاه درخور توجهی در سیاست گذاری ها و برنامه ها پیدا کند. در این مقاله مفهوم سرمایه اجتماعی و تفاوت آن با دیگر انواع سرمایه، کارکرد سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران و ارائه یک راهبرد توسعه با تاکید بر سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده بر این باور است که دلیل اصلی تنزل سرمایه اجتماعی در کشور ناشی از ناکارایی دولت و نهادهای برآمده از آن است که این امر نیز ناشی از نبود یک سیستم اطلاعاتی که منجر به ایجاد نظام اعتماد سازی شود و همچنین غفلت دولت از وظایف اصلی خویش و پرداختن به امور دیگر می باشد.

\*- دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، ورودی ۷۴

است. برای تحلیل مسایل اقتصادی در این چهارچوب باید نظام اقتصادی را در کنار سایر نظام های دیگر مورد توجه قرار داد به عبارت دیگر انسان اقتصادی را بعدی از ابعاد انسان اجتماعی بدانیم و نه انسان اجتماعی را بعدی از ابعاد انسان اقتصادی<sup>۲</sup>.

### سرمایه اجتماعی؛

سرمایه اجتماعی مفهومی جدید است که پیشینه ای طولانی ندارد این مفهوم در واقع برگرفته از دیگر مفاهیم متداول در اقتصاد مثل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی است و تقریباً از دهه ۸۰ میلادی وارد متون توسعه اقتصادی، جامعه شناسی و سیاسی شده و یک مفهوم بین رشته ای است که در چند حوزه نظریه پردازان برجسته روی آن کار می کنند که از آن جمله می توان به کارهای افرادی چون جیمز کلنن، پیربوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما اشاره کرد. این نوع سرمایه تفاوت اساسی با انواع دیگر سرمایه به ویژه سرمایه انسانی<sup>۳</sup> دارد که در جدول (۱)<sup>۴</sup> مورد بحث قرار گرفته است.

سرمایه اجتماعی	سرمایه انسانی	تمرکز
روابط	عوامل فردی	تمرکز
نگرشها، ارزشها، عضویت، مشارکت، سطوح اعتماد	دوره آموزش کیفیت	اندازه گیری
انسجام اجتماعی سرمایه اجتماعی بیشتر دستاوردهای اقتصادی	مستقیم: درآمد بهره روی غیر مستقیم: سلامت، فعالیت‌های شهروندی	نتایج
متقابل، حلقوی	خطی	مدل

اختلاف اساسی این نوع سرمایه، غیر ملموس بودن آن است که سبب شده سرمایه اجتماعی به صورت مستقیم قابل اندازه گیری نباشد. اقتصاددانان با تأکید اولیه بر اهمیت سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی که بتوان روی آنها سرمایه گذاری کرد برای مدت‌های مدیدی غافل از سرمایه انسانی بودند اما بعد از مدتی که شکاف بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته -

مفهوم سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> که به تازگی در ادبیات مربوط به علوم اجتماعی اعم از اقتصاد، جامعه شناسی، اقتصاد توسعه و غیره وارد شده مفهومی پیچیده، چند وجهی و بسین رشته ای است که علیرغم تازگی و پیچیدگی توجه بسیاری از صاحب نظران حوزه های مذکور را به خود جلب کرده و توانسته است از ابهامات و کاستی های نظری بحث های اقتصادی تا حدی بکاهد.

شاید بتوان دلیل رشد چنین مفاهیمی را در ریاضی شدن بیش از حد علم اقتصاد و ضعف های تئوریک اقتصاد کلاسیک جستجو کرد.

در طول دهه های اخیر نحله های فکری جدیدی در عرصه اقتصاد رشد کرده اند که جهت حرکت آنها به سمت تکمیل تئوری های اقتصاد کلاسیک بوده است که از آن جمله می توان به نهادگرایان اشاره کرد که بحث هزینه های معاملاتی و تأثیر نهاد های حقوقی را مطرح ساختند. البته برخی از جریانات نیز به کل، اقتصاد کلاسیک را به پوچ انگاشته اند. در اقتصاد نئوکلاسیک جامعه، متشکل از افراد و دولت فرض می شوند و لذا جمع تولید افراد و دولت، تولید اجتماعی را ایجاد می کند و در واقع افراد، اتم هایی فرض شده اند که جمع جبری تولید تک تک آنها تولید کل جامعه را می سازد. حال این سؤال مطرح می شود که اگر تولید اجتماعی متضمن نوعی همکاری و مشارکت در تولید است، سهم همکاری و مشارکت در تولید در کجا دیده شده است.

به عبارت بهتر همکاری و مشارکت در افزایش تولید و تأثیر و نقش آن چگونه محاسبه می شود؟

به عبارتی باید بپذیریم که اجتماع مساوی جمع جبری تک تک افرادی که در آن زندگی می کنند نیست و چاره ای نیست جز اینکه برای حیات اجتماعی، جوهری و رای این جمع جبری در نظر بگیریم در این صورت در تبیین کنش های اقتصادی به متغیرهایی توجه خواهیم کرد که ناشی از جوهر و خاصیت حیات اجتماعی است.

یکی از این متغیرها سرمایه اجتماعی<sup>۵</sup> "ail"

علیرغم سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی گسترده - عمیق تر شد اقتصاددانان با تأمل بسیار زیاد، سرمایه‌انسانی را مطرح کردند و این نظر مطرح شد که سرمایه‌انسانی قادر است ارزش افزوده زیادی ایجاد کند و سرمایه طبیعی را به کالای ارزشمند تبدیل کند.

که با وجود سیاست‌های مشخص و یکسان دولت مرکزی چرا نهاد‌های دموکراتیک در شمال ایتالیا کارآمدتر از جنوب عمل می‌کنند به علاوه چه عاملی اختلاف رشد اقتصادی شمال و جنوب ایتالیا را توضیح می‌دهد

در شمال ایتالیا نهاد‌های جمعی بهتر کار می‌کردند، مردم بیشتر در انتخابات شرکت می‌کردند و عملکرد سازمان‌های اداری مطلوبتر بود در حالی که در جنوب، ادارات پاسخگویی شهروندان نبودند و شهروندان نیز به حکومت منطقه‌ای اعتمادی نداشتند.

پاتنام برای مطالعه کارکرد سازمان‌های منطقه‌ای بعنوان متغیر وابسته دو متغیر مستقل یعنی؛ رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی را در نظر گرفت برای سنجش رشد اقتصادی از شاخص‌های اقتصادی مرسوم مانند میزان باسوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت و غیره بهره جست و برای سنجش سرمایه اجتماعی از سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهاد‌های مدنی استفاده نمود.

پاتنام در مطالعه خود به این نتیجه رسید که شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت این دو بخش به ویژه به لحاظ وجود سنت‌های مدنی پایدار و فراگیر در شمال ایتالیا افراد را در شبکه‌های روابط اجتماعی در قالب انجمن‌ها، باشگاه‌ها، احزاب و مانند آنها قرار می‌دهد و همکاری میان آنها را آسان می‌کند.

از نظر رابرت پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند.

بنابراین منابع طبیعی و سرمایه فیزیکی هر چند مهم اند ولی وقتی سرمایه انسانی ضعیف باشد نمی‌توان به طور صحیح از سرمایه فیزیکی استفاده کرد. از دهه ۹۰ این بحث نیز مطرح گردید که برای استفاده بهینه از منابع یک شرایط نهادی مناسب وجود داشته باشد به عبارت دیگر سرمایه انسانی در هر محیط و شرایطی نمی‌تواند به نحو کارآمد از سرمایه فیزیکی استفاده کند.

واقعیت آن است که اگر در گذشته فعالیت‌های اقتصادی توسط افراد انجام می‌شود امروزه تقریباً همه فعالیت‌های اقتصادی توسط سازمان‌ها و دستگاه‌ها صورت می‌گیرد که نیاز به اعتماد، اطمینان و درجه بالایی از همکاری بین افراد است. این محیط اجتماعی اصطلاحاً سرمایه اجتماعی نام گرفته است.

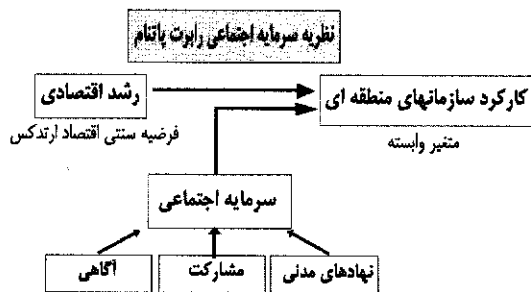
سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه شناسی آمریکایی بویژه در روایت کارکردگرایانه آن عبارت است از روابط دوجانبه، تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود.

فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند.

در بازار کشورهای در حال توسعه خریداران، کالاهای فیزیکی را از نزدیک لمس می‌کنند اما باز اعتماد چندانی به کیفیت کالا ندارند، در حالی که در بازارهای کشورهای صنعتی کاغذها به نمایندگی از کالاها توسط افرادی به نمایندگی از خریداران مورد مبادله قرار می‌گیرد.

### سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام<sup>۵</sup>

مطالعه پاتنام به همراه دو همکار ایتالیایی اش در پی اصلاحاتی انجام شد که حکومت مرکزی ایتالیا جهت تمرکززدایی و گسترش دموکراسی از طریق ایجاد حکومت‌های منطقه‌ای صورت داد. پاتنام پس از مدتی مطالعه این سؤال را مطرح کرد



خودشان اعتماد متقابلی نداشته باشند و تازمانی که قواعد جدی و آهنینی برای همکاری برقرار نباشد و حق و یا سهم هر یک از افراد پیشاپیش مشخص نباشد اقدام مشترک برای قساقاق آغاز نخواهد شد.

این اعتماد متقابل میان دزدان و پایبندی به قواعد مورد توافق محیط همکاری یا سرمایه اجتماعی سازمان قساقاقچیان محسوب می شود پس وقتی برای موفقیت دسته جمعی در انجام امور غیرقانونی، قانونمندی و قانونمداری شرط است و برای کامیابی ای غیرمنطقی، منطقی لازم است و برای موفقیت غیر قابل اعتمادترین گروه ها اعتماد لازم است بی گمان جامعه صالحان نیز برای رشد و توسعه و دستیابی به اهداف بزرگ بیش ترین نیاز را به سرمایه اجتماعی دارد.

بی سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه ای نمی رسد. در سازمانها و بسگاهها و جوامع امروزی سرمایه اقتصادی از نظر درجه اهمیت پایین ترین مرتبه را دارد.

در بازارهای امروزی میلیارد ها دلار معامله صرفاً براساس اعتماد و توافق دوجانبه صورت می گیرد به خصوص در بازارهای بورس و بازار آتی ها که گاه محصولی که در چند ماه آینده تولید می شود از امروز مورد معامله قرار می گیرند. در بازار نفتی میلیون ها بشکه صرفاً بر اساس یک توافق ظاهری معامله می شود.

مثال بارزتر سرمایه اجتماعی، تیم فوتسال است که در آن زمین چمن و تجهیزات ورزشگاه سرمایه مادی و اقتصادی و بازیکنان و مربیان تکنیکی سرمایه انسانی و داوران بسی طرف و قواعد تعریف شده و روشن بازی و رفتار اخلاقی بازیکنان در مجموع سرمایه اجتماعی بازی را شکل می دهند اگر چه این سه دسته سرمایه مکمل یکدیگرند اما ترتیب اهمیت آنها قابل شناسایی است.

حال ببینیم اگر تک تک این سه سرمایه را حذف کنیم چه اتفاقی رخ خواهد داد. اگر عده ای فوتبالبست داشته باشیم و یک ورزشگاه اما

## سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن؛

سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد محسوب می شود. این دارایی شی واحدی نیست بلکه ویژگیهایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند. این نوع سرمایه امکان دستیابی به هدفهای معینی را که در نبود آن دست نیافتنی است فراهم می سازد.

مهمترین ویژگی سرمایه اجتماعی از نظر کلمن نظام تعهدات و انتظارات است یعنی اگر فرد A برای فرد B کاری انجام دهد با اعتماد به اینکه فرد B در آینده آن را جبران خواهد کرد، این امر انتظاری را در فرد A و تعهدی را در فرد B برای حفظ اعتماد ایجاد می کند.

این تعهد مانند برگه ای اعتباری در دست A است و اگر او تعداد زیادی از این برگه ها از افرادی که با آنها رابطه دارد در دست داشته باشد همانند سرمایه مالی بزرگی برای A اعتباری را ایجاد می کند که در صورت لزوم می تواند از آن استفاده کند.

در اینجا دو عامل مهم وجود دارد، اینکه تا چه حد محیط اجتماعی در خور اعتماد است یعنی تعهدات بازپرداخت می شود و دیگر اینکه میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده تا چه حد است.

## کارکرد سرمایه اجتماعی؛

فرض کنید گروهی از قساقاقچیان حرفه ای تصمیم گرفته اند برای انجام یک قساقاق بزرگ مثل وارد کردن خودرو یا گوشتهای آلوده با هم همکاری کنند و علاوه بر داشتن دانش و تجربه کافی برای انجام این کار تمامی تجهیزات و لوازم مورد نیاز را نیز فراهم کرده باشند.

یعنی سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی فراهم است حال آیا با وجود این دو دسته شرایط قساقاق بزرگ انجام خواهد شد. جواب مسلماً منفی است تا زمانی که گروه قساقاقچیان در میان

برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی در ایران باید میزان اعتماد بین شهروندان و حکومت و نهادهای برآمده از آن و میزان پایبندی حکومت به قانون و مقررات مورد بررسی قرار گیرند نه میزان انحرافات اجتماعی از قبیل آمار جرم و جنایت.

اختلاف میان کشورهای صنعتی (سرمایه داری) در ساختار صنعتی آنها نهفته است.

آلمان، ژاپن و ایالات متحده از همان بدو صنعتی شدن خود در اواخر قرن نوزدهم شیوه های تعاونی را در پیش گرفتند و لذا امروزه کشورهای آنها جایگاه مؤسسات غول پیکری همچون زیمنس، تویوتا، فورد، موتورولا می باشد.

برعکس بخش خصوصی در فرانسه، ایتالیا و جوامع چینی تبار هنگ کنگ، تایوان که در چهارچوب اقتصاد بازار عمل می کند تحت سلطه مؤسسات کوچک تر خانوادگی قرار دارند. کمپانی های کوچک اما پویای اینها معمولاً پس از یک یا دو نسل از پای درمی آیند و بدین ترتیب وظیفه ایجاد و حمایت از صنعت سنگین عملاً بر دوش دولت نهاده می شود.

این اختلاف فاحش در ساختار صنعتی، قبل از آنکه ناشی از تفاوت سطح توسعه صنعتی باشد به علت ویژگی های خاص فرهنگی این کشورهاست که در قالب سرمایه اجتماعی قابل توضیح است در امریکا تمایل تاریخی قوی برای تشکیل اجتماعات داوطلبانه وجود دارد مانند آنچه در ژاپن مشهود است.

لذا این تصادفی نیست که این دو جامعه پیشتاز در توسعه در وهله اول اشکال تعاونی سازماندهی تجاری را اتخاذ کردند و بعدها شبکه صنعتی غیرمتمرکز و کوچک را مستقر نمودند.

در واقع تمامی فعالیت های اقتصادی امروز از اداره یک خشکشویی گرفته تا ساخت جدیدترین نسل از میکروسکوپ ها توسط افراد انجام نمی شود بلکه سازمانهای پیچیده ای که مجهز به سطوح بالای همکاری اجتماعی می باشند. این فعالیتها را اداره می نمایند.

به نظر اقتصاددانان توانایی تشکیل سازمان به اصولی چون حق مالکیت انعقاد قرارداد و حاکمیت قانون تجارت مناسب بستگی دارد البته قبل از تحقق این شروط وجود نوعی احساس همبستگی اخلاقی در جامعه ضروری

هیچکدام از بازیکنان حاضر نباشند به قواعد بازی تن دهند و یا هیچ کس را به عنوان داور قبول نداشته باشند هرگز بازی صورت نمی گیرد لذا در صورت فقدان سرمایه اجتماعی اصلاً بازی فوئبال صورت نمی گیرد اما اگر بازیکنان باتجربه و تکنیکی نباشند یعنی سرمایه انسانی موجود نباشد بازی صورت می گیرد اما بسیار بی رونق و ناپخته و بدون جذابیت بگونه ای که هیچ تماشاگری را جذب نمی کند پس در این حالت بازی آغاز می شود ولی در دستیابی به اهداف خود موفق نیست.

حال اگر بازیکنان تکنیکی، باتجربه حضور داشته باشند و داوری بی طرف نیز قواعد تعریف شده را اعمال و نظارت نماید اما ورزشگاه وجود نداشته باشد می توان بازی جالب و جدی و پرحرارتی را در یک زمین ساده انجام داد.

مسأله سرمایه اجتماعی نقش بسیار اساسی در موفقیت افراد خانواده نیز دارد. اگر والدین محیط مناسبی را در خانواده براساس احترام و اعتماد متقابل بین افراد شکل داده باشند قطعاً موفقیت افراد چنین خانواده ای حتی اگر از نظر مالی در سطح پایینی قرار داشته باشند بیشتر از خانواده هایی است که محیط پرنثشی را تجربه می کنند ولو اینکه از نظر امکانات مالی در سطح بالایی قرار داشته باشند.

لازم به ذکر است که از دید فوکویاما یکی از منابع اصلی برای تولید سرمایه اجتماعی در سطح جهانی، خانواده است.<sup>۱</sup>

### سرمایه اجتماعی معیار توضیح دهندگی جغرافیای اقتصادی جهان

اگر در گذشته سیاست های اقتصادی بازیگران اصلی اقتصاد دنیا در سه قالب سیاست صنعتی هدایتگرانه (توسط دولت) در ژاپن و شرق آسیا، سیاست های گسترده رفاه بخش در اروپا و لیبرالیسم متکی بر بازار در آمریکا تقسیم بندی می شدند، امروزه دیگر این تقسیم بندی آشنا و نه چندان غلط برای توضیح جغرافیای اقتصادی جهان سودمند نیست. فاحش ترین

در کشورهای پیشرفته نهادهایی وجود دارند که با جمع آوری اطلاعات مربوط به افراد و با تجزیه و تحلیل آن اطلاعات، میزان اعتبار افراد را مشخص می کنند. این اعتبار بر اساس میانگین درآمد فرد در گذشته و میزان رعایت قانون و مقررات شهروندی و غیره مشخص می شود.

است. ژاپن معیار وفاداری به گروه خویشاوندی نیست.

مدیران ژاپنی پیوسته تمایل داشته‌اند که برای شرکت در دوره‌های آموزشی هفته‌ها و ماه‌ها از زن و فرزند خود دست کشیده و در غربت به سر برند. این تفاوت فرهنگی بین چین و هند در تولیدات صنعتی آنها نیز بروز یافته است.

در تولیدات صنعتی بنگاه‌های ژاپنی گروه‌های مختلف با تخصص‌های مختلف ایفای نقش کرده‌اند در حالی که تولیدات چین بسیار ساده هستند و در تولید آن فقط یک بنگاه خانوادگی نقش داشته است مثل ساختن اسباب بازی‌های کودکان<sup>۱۱</sup>. در ایران نیز این مسایل قابل بازخوانی است.

بنگاه‌های خصوصی غالباً کوچک هستند و بنگاه‌های بزرگ در تملک دولت قرار دارند. اکثر این واحدهای بزرگ دولتی زیان‌ده هستند. غالب مدیران دولتی با یک تیم محدود کار می‌کنند و هنگامی که تغییر منصب می‌دهند غالباً تیم خود را نیز به همراه می‌برند.

مدیران بنا به علقه‌های خویشاوندی منصب می‌گیرند. بحث مدیران حرفه‌ای که بر اساس سلسله مراتب هدایت شده ارتقاء و پیشرفت کرده باشند تا حدی متفی است.

به همین دلیل است که بارها و بارها در کشور ضعف مدیریت به عنوان یکی از علل ناکامی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه مطرح شده است. حال وقتی سرمایه اجتماعی در سطح پایینی است و بنگاه‌های کارآمد کوچک هستند و همچنین سلسله مراتب هدایت شده برای تربیت مدیران وجود ندارد آن کشور نباید در طراحی سیاست‌های توسعه به سمت ایجاد بنگاه‌های بزرگ حرکت کند. نظیر آنچه در برنامه اول و دوم توسعه دنبال شد.

#### وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

هر چند هنوز ملاک و معیار مشخصی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی ارایه نشده

این همبستگی بر مجموعه‌ای از مقررات و هنجارهای نانوشته اخلاقی استوار می‌باشد که اساس سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. اعتماد و اطمینان متقابل می‌تواند آنچه را که اقتصاددانان هزینه معاملاتی (TRANSACTION COST) می‌نامند را کاهش دهد و سبب تسهیل در کارها شود در غیاب این اطمینان و اعتماد، قوانین، مقررات و قراردادهای دست و پاگیر، دعاوی، مراجعات مکرر بوروکراسی فربه، جامعه را به هلاکت خواهد کشاند.

اهمیت سرمایه اجتماعی برای هر اقتصاد هنگامی مشخص می‌شود که جامعه‌ای چون ژاپن را که از سطح بالای اعتماد و اطمینان برخوردار است با جامعه‌ای چون چین که سطح اعتماد عمومی در آن بسیار نازل می‌باشد مقایسه کنیم ویژگی ساختار صنعتی چین و تایوان کوچک بودن آن است. در جامعه چین بکارگیری مدیران غیرخویشاوند معمولاً با مقاومت و مانع روبرو می‌شود.

نتیجه این روند آن است که چین اکنون فاقد بنگاه‌های بزرگی است که بر اساس سلسله مراتب اداری هدایت شده و دارای مدیران حرفه‌ای باشند اگر چه برخی از این شرکت‌ها رشد غول‌آسایی داشته‌اند اما همچنان مدیریت آنها به صورت خانوادگی باقی مانده است برخلاف ژاپن، مناسبات خانوادگی در چین تمامی تعهدات اجتماعی دیگر را تحت انشعاع قرار داده است سطح اعتماد میان خانواده‌ها و گروه‌های خویشاوند بالاست که این سلسله زیان اعتماد میان گروه‌های غیرخویشاوند حاصل شده است.

بنابراین مشکلاتی که شرکتهای چینی برای نهادینه کردن خود دارند. هنگامی مرتفع می‌شود که خانواده‌های بنیانگذار صحنه را ترک کنند. اما خانوارهای ژاپن برخلاف هم‌تایان چینی خود بسیار کوچکترند و از جاذبه اجتماعی به مراتب کمتری نسبت به خانواده‌های چینی برخوردار می‌باشند. در جامعه

باید بپذیریم که اجتماع، به معنی جمع جبری تک تک افرادی که در آن زندگی می‌کنند نیست؛ باید برای حیات اجتماعی و برای این جمع جبری مسائل دیگری را در نظر بگیریم.

داند نقش و وظایف بیشتری را برای خود تعریف کرده اند که این امر سبب غفلت دولت از وظایف اصلی خویش شده و در نتیجه ناکارآمدی دولت و نهادهای برخاسته از آن را در پی داشته است.

از طرف دیگر رفتار دولت و نهادهای برآمده از آن بعنوان الگو مورد توجه قرار گرفته است. حال عملکرد دولت را نسبت به وظایف اصلیش مورد بررسی قرار می دهیم:

وظایف اصلی هر دولتی را می توان در چند بند خلاصه کرد؛ یکی اینکه دولت رابطه اش را با مردم بسیار روشن و شفاف تعریف کرده باشد.

این رابطه هر روز به رنگی درنیاید. دوم اینکه حقوق مالکیت مردم را خوب و دقیق تعریف و آن را تضمین نماید. امنیت داخلی و خارجی کشور را تأمین کند. استانداردها و معیارها و مقیاس ها را تعریف و حفاظت کند و در نهایت یک دستگاه داوری را که بی طرف و در دسترس و کارآمد باشد مستقر نماید.

در مورد رابطه میان دولت و مردم همه در سطح نخبگان و هم در سطح مسؤولان دیدگاههای مختلفی وجود دارد. این مسأله در مورد قانون اساسی را نیز مورد بررسی قرار دهیم و درمی یابیم که دیدگاههای متفاوت و بعضاً متضادی بین آنها وجود داشته است.

در عمل نیز هر پاره ای از دولت براساس یک مفهوم و تفسیر عمل می کند.

در مورد تعریف و تضمین حقوق مالکیت نیز به شدت عقب مانده ایم. حقوق مالکیت معنوی را که به کل کنار گذاشته ایم در مورد حقوق فیزیکی نیز وضع روشنی نداریم. هنوز بسیاری از زمین ها و مغازه ها با مشکل سند قطعی روبرو هستند. صحبت از چندین میلیون شناسنامه باطل نشده نزد مردم است.

داگلاس نورث علت عمده کندی نرخ رشد ابتکارات در پاره ای از جوامع را در عدم تدوین حقوق مالکیت از سوی دولت ها ذکر می کند.

است. اما می توان برای تقریب به ذهن و تعیین سمت و سوی آن شاخص هایی همچون میزان جرم و جنایت، میزان قانون شکنی، وضعیت رعایت قسوانین راهنمایی و رانندگی میزان پرخاشگری و درگیری های خیابانی، میزان خیانت در امانت، میزان چک های برگشتی، میزان مصرف مواد مخدر، وضعیت طلاق، میزان مهاجرت، میزان دعاوی، میزان فرار از پرداخت مالیات، میزان خودکشی... را ملاک قرار داد.

اگر در کشوری همه این معیارها روندی صعودی داشت قطعاً باید گفت که سرمایه اجتماعی در حال کاهش است. چون در بعضی از مواقع ممکن است در کشوری یک معیار بنا به دلایل خاصی افزایش یابد. مثلاً طلاق افزایش یابد اما بقیه ملاک ها روندی نزولی داشته باشند.

در خصوص ایران روند آمارها در مورد ملاک های فوق کاملاً روشن است و نشان دهنده کاهش شدید سرمایه اجتماعی می باشد به نظر می رسد این ملاک ها معیارهای دست دوم است و به نوعی نشانگر وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح خرد است اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی را در سطح کلان مورد بررسی قرار دهیم.

باید به نحوه رفتار ارکان دولت و نهادهای برآمده از آن پردازیم که در این زمینه شاخص اعتماد بین شهروندان و حکومت و نهادهای حکومتی یکی از معیارهای مهم است.

به عبارت دیگر باید بین اعتماد بین افراد و میزان پایبندی افراد به قانون و مقررات با اعتماد افراد به نهادها و میزان پایبندی حکومت و نهادها به قانون و مقررات تفاوت قائل شد.

نویسنده بر این باور است که علت اصلی کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه ایران را باید در عملکرد دولت و نهادهای برخاسته از آن به ویژه دو نهاد اجرایی و قضایی جستجو کرد.

دولتها در ایران به دلیل درآمد بالای نفت ضمن آنکه خود را تا حدی مستقل از مردم می

**در تولیدات صنعتی  
بنگاههای ژاپنی،  
گروههای مختلف با  
تخصص های مختلف  
ایفای نقش کرده اند  
در حالی که تولیدات  
چین بسیار ساده  
هستند و در تولید آن  
یک بنگاه خانوادگی  
نقش داشته است.  
این مسأله به تفاوت  
میزان سرمایه  
اجتماعی دو کشور بر  
می گردد.**

پیشرفته‌های وجود دارند که با جمع آوری اطلاعات مربوط به افراد و با تجزیه و تحلیل آن اطلاعات، میزان و قابلیت اعتماد به افراد را مشخص می‌کنند که از آن جمله می‌توان به نهاد بانک اشاره کرد به راستی چرا بحرانی که در کشور ما بخاطر چک به وجود آمده است در کشورهای دیگر وجود ندارد.

بانک‌ها در کشورهای صنعتی براساس متوسط جریان درآمدی فرد در گذشته، نحوه بسازپرداخت وام‌ها در گذشته، و قواعد شهروندی خوب، اعتباری را برای افراد در نظر می‌گیرند نه اینکه به هر فرد دسته چک بدهند.

در زمینه استقرار دستگاه دآوری و دادگستری نیز با مشکل مواجه هستیم. اولاً زمان رسیدگی به پرونده‌ها بسیار طولانی است.

تقریباً بین شش ماه تا دو سال روال رسیدگی به پرونده‌ها طول می‌کشد. دیگر آنکه حجم بالایی از احکام دادگاه‌های بدوی در مراحل بعدی نقض می‌شود که این نشان دهنده کیفیت پایین قضاوت است.

مجموعه قوانین قضایی و تفسیر آنها نیز دچار اشکالاتی است. مجموعه این اشکالات سبب شده که دستگاه قضایی نتواند به صورت بی طرفانه و کارا عمل کند.

در مورد تأمین امنیت داخلی نیز وضعیت چندان رضایت بخش نیست. میزان جرم و جنایت، دزدی، نزاع‌های خیابانی به سه طور محسوسی افزایش یافته است. احساس عدم امنیت به ویژه در رابطه با زنان افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد.

به راستی آیا زنان در ساعات پایانی شب برای رفت و آمد در خیابانهای پایتخت احساس امنیت می‌کنند.

مجموعه این مسایل نشان می‌دهد که دولتها در ایران چندان به وظایف اصلی خود توجهی نداشته‌اند که این امر تأثیری منفی بر روی

وی تصرف و تضمین حقوق مالکیت را اولین گام پیش فرض حرکت به سوی توسعه می‌داند.

طبق آخرین آمار منتشر شده در آمریکا به ازای هر یک میلیون نفر ۲۸۰ اختراع در سال به ثبت می‌رسد و در ایران به ازای هر یک میلیون نفر یک اختراع و ابتکار ثبت می‌شود.

حقوق مالکیت که یکی از ویژگی‌های نظام سرمایه داری است سبب شده که این نظام خصلت نامرئی به خود بگیرد و در بازار کشورهای در حال توسعه کالاهای فیزیکی حضور دارند و این کالاهاست که در نهایت مبادله می‌شوند.

خریداران با وجود آنکه کالاها را از نزدیک لمس می‌کنند اما باز اعتماد چندانی به کیفیت کالا ندارند. اما در بازارهای کشورهای صنعتی این کاغذهاست که مبادله می‌شوند.

این بازارها هیچگونه شباهتی با بازارهای گذشته ندارند جنبه نمایندگی و باز نمودی یکی از جالب ترین و پیچیده ترین جنبه‌های سرمایه داری است سند ها، اطلاعات دقیق تر و کامل تر و مطمئن تری را به افراد می دهند تا مشاهده مستقیم آن کالاها. با نگاه به یک خانه، رنگ، مساحت، تعداد اتاقها و پنجره ها مشخص می شود اما با نگاه به یک تکه کاغذ به نام سند خانه، اطلاعات بسیار مهم تری به دست می آید.

اینکه مالک خانه کیست، آیا قابل اجاره دادن است یا نه، مصالح به کار رفته، مهندس ناظر نوع و میزان مقاومت خاک نیز روشن می شود.

در نظام سرمایه داری همه نمایندگی‌ها و نهادها از قبیل کارتهای اعتباری، پاسپورتها، اوراق شناسایی، اسناد مالکیت و سهام توسط یک نظام حقوقی به گونه ای سازماندهی می شوند که مردم بتوانند به یکدیگر اعتماد کنند.

این نظام های اعتماد قانونی، دست کم در ۸۰ تا ۹۰ درصد کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. به عبارت دیگر در کشورهای

وقتی برای موفقیت  
دسته جمعی در انجام  
امور غیر قانونی،  
قانونمندی و قانون  
مداری شرط است و  
برای موفقیت، غیر  
قابل اعتماد ترین  
گروهها، اعتماد بین  
اعضای گروه لازم  
است، بی گمان جامعه  
صالحان نیز برای  
رشد و توسعه و  
دستیابی به اهداف  
بزرگ، بیشترین نیاز  
را به سرمایه اجتماعی  
دارد.



دیگر فعالیتهای دولت برجای گذاشته است.

برای نمونه نهاد بانک را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم در سالهای اخیر روند سرعت در داخل بانک‌ها به حدی افزایش یافته که رییس کل دادگستری تهران، رؤسای بانک‌ها را تهدید به محاکمه کرده است. براسستی چرا نهادی که تمام دارایی‌هایش متعلق به مردم است.

برای برقراری نظم و تامین امنیت در داخل بانک چاره‌اندیشی نکرده است. از طرف دیگر زمان تلف شده افراد در داخل بانک بسیار بالاست. به قول دوستان زمان ورود دست خودتان است اما زمان خروج از بانک دیگر در اختیار شما نیست.

آیا هیچگاه این سؤال در ذهن مسئولان بانکی کشور ایجاد شده است که چرا در بانک‌های کشورهای صنعتی شاهد چنین صف‌های طولی نیستیم. از این مسایل جانبی که بگذریم درمی‌یابیم که مردم حتی برای وام گرفتن مبلغ اندک هم با هزاران مشکل مواجه هستند حتماً باید سند، سفته و ضامن معتبر فراهم کنند تا بتوانند بعد از کلی معطلی مبلغ ناچیزی وام بگیرند.

در حال حاضر دسته چک بانکی، کشور را با بحران اجتماعی و اقتصادی روبرو ساخته است از یک طرف زندانیان چک و مسایل خانواده‌اشان و از طرف دیگر افرادی که دچار ضرر مالی شده‌اند و از طرف دیگر مسایل قضایی و افزایش پرونده‌ها و ...

می‌دانیم که حذف چک واقعاً امکان ندارد. چون مردم به علت مشکلات اقتصادی مجبورند از درآمدهای آینده خود استفاده کنند. حال سؤال اینجاست چرا کشورهای دیگر با بحران ناشی از چک روبرو نمی‌شوند؟

واقعیت آنست که افراد در جوامع امروزی به سختی می‌توانند اطلاعاتی در مورد یکدیگر کسب کنند و انجام این کار برایشان بسیار پرهزینه و وقت گیر است. افراد نمی‌توانند

برای هر برگ چک که به ازای فروش کالا و خدمات دریافت می‌کنند کلی تحقیق انجام بدهند و ببینند آیا صادرکننده چک در حسابش پول دارد یا توانایی پرداخت در آینده را دارد یا نه. ولی اگر سیستم بانکی و سایر نهادهای وابسته، به این درک می‌رسیدند که کشور را باید براساس اطلاعات و آمار اداره کرد و چنین کاری را انجام می‌دادند خیلی از مسایل حل می‌شد.

اگر بانک‌ها دسته چک‌ها را براساس متوسط درآمد فرد در گذشته، رفتار فرد در مورد وام‌های گذشته و سایر اطلاعات مربوط به قواعد شهروندی خوب، صادر می‌کردند یعنی بانکها میزان اعتبار و اطمینان افراد را تعیین می‌کردند و بر این اساس به افراد چک می‌دادند و خود نیز پرداخت آن را تضمین می‌کردند، بسیاری از مشکلات و مسایل خودبه‌خود حل می‌شد.

هر چند بانک‌ها نیز ممکن است اشتباه کنند و متضرر شوند اما قطعاً بانکها کمتر از افراد اشتباه می‌کنند. ضمن آنکه بانکها در گرفتن حق خود کارآمدتر و ابزارهای بیشتری در اختیار دارند. این چنین قواعدی کمک می‌کند که افراد به دنبال افزایش اعتبار و اطمینان خود حرکت کنند و سعی می‌کنند حتی قواعد شهروندی خوب را نیز رعایت کنند.

سایر نهادهای دیگر نیز در جوامع صنعتی اینگونه عمل می‌کنند. عملکرد کارای این نهادهاست که افراد را مجبور می‌سازد تا قواعد را رعایت کنند، اخلاق را رعایت کنند، پاداش آن را نیز به خوبی دریافت می‌کنند. برای بازسازی سرمایه اجتماعی راهی جز کارآمد کردن نهادها به ویژه در حوزه اقتصادی به نظر نمی‌رسد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- لفظ سرمایه در اینجا جنبه استعاری دارد. چون سرمایه در اقتصاد با مالکیت عین است و قانون حق مالکیت را حمایت، اعمال یا محدود می‌کند. دیگر اینکه از سرمایه انتظار بازدهی وجود دارد. هیچ‌یک از این ویژگی‌ها در

سرمایه اجتماعی وجود ندارد. نه فرد مالک سرمایه اجتماعی است و نه جامعه. دیگر آنکه افراد در کنار یکدیگر جمع می شوند تا کاری را صورت دهند و لذا رفته رفته اعتماد همکاری و همبستگی افزایش می یابد اما هیچ جمعی به قصد بالا بردن اعتماد تشکیل نمی شود. برای تولید سرمایه اجتماعی نیز همکاری فرد و جامعه ضروری است. در این مقاله سرمایه اجتماعی معادل اعتماد اجتماعی به کار رفته است.

۲- اسملسر، جی نیل، جامعه شناسی اقتصادی، انتشارات کویر، چاپ اول ۱۳۷۶

11 seanfor mato. Fukuyama discisses role of social capital. Aprill. 19.2001. www.jru.edu.

۱۲- دولت در ایران یک نهاد، نهادساز است و اصولاً در کشورهای شرقی جامعه مدنی چندان ریشه دار نیست که نهادها بتوانند از پایین شکل بگیرند. در ایران غالب نهادها از بالا شکل می گیرند حتی احزاب و سازمان های غیر دولتی، نیز برآمده از دولت هستند.

۳- دکتر متوسلی، محمود، دکتر بی نیاز، علی، رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۷۵، ص ۴۷.

4-TOM schuller. The complementary roles of human and social capital. Isma spring 2001. P18.

ایمانی جاجرمی، حسین، سرمایه اجتماعی و مدیریت - ۵ - شهری، نشریه مدیریت شهری، پاییز ۱۳۸۰ Fukuyama ۱۹۹۹.

6- fukuyama. F: social capital and civil society. Www.imf. Org. 1999.

از فوکویاما تعاریف دیگری نیز با همین مضمون بیان شده است: سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان نشان مجاز است، در آن سهیم هستند و نیز سرمایه و منابعی است که افراد و گروهها از طریق پیوند با یکدیگر می توانند بدست آورند.

۷- پاتام، رابرت، دمکراسی و سنتهای مدنی، مترجم محمدتقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، ۱۳۷۷

۸- کلمن، جیمز، مترجم منوچهر صبوری، بنیادهای نظریه اجتماعی، تهران، نشرنی، ۱۳۷۷. چاپ اول، ص ۴۶۷

۹- رنانی، محسن، سقوط سرمایه اجتماعی، ماهنامه آفتاب، شماره ۱۶ خرداد ۱۳۸۱ SEANForMATO Fukuyama discisses role of Social Capital Aprill. ۱۹, ۲۰۰۱.edu

۱۰- فوکویاما، فرانسیس، پایان نامه نظم و بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، مترجم غلام عباس توسلی، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۹. چاپ اول ص ۹۹

19 woolcock, m: social capital and economic development : toward atheoretical synthesis and policy from work, theory and society 1997.

20- williamson oliver E: (1995) the institution and government of economic development and reform. Proceeding of the word bank annual conference on development economic 1994. The world bank.

